

سیره فرنگی - ارتباطی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)

در دوران حکومت؛

در جستجوی مدل سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی

دکتر سیل محمد کاظمی نهرجی



انتشارات
دانشگاه امام صادق علیه السلام

عنوان: سیره فرهنگی - ارتباطی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در دوران حکومت: در جستجوی مدل سیاست گذاری و برنامه ریزی

مؤلف: دکتر سیدمحمد کاظمی قهفرخی

ناشر: دانشگاه امام صادق علیه السلام

صفحه آرا، ویراستار ادبی و طراح جلد (یونیرم): محمد روشنی

نمایه ساز و ناظر نسخه پردازی و چاپ: رضا دیبا

چاپ و صحافی: مجتمع چاپ و صحافی برتر

چاپ اول: ۱۳۹۶

قیمت: ۱۰۵/۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۵۷۰-۳

تهران: بزرگراه شهید خدایان، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام

صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • پ. ک. ۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲

E-mail: press@isu.ac.ir • www.khoesanq.ir • فروشگاه اینترنتی:

سرشناسه: کاظمی قهفرخی سیدمحمد، ۱۳۶۵-

عنوان و نام پدیدآور: سیره فرهنگی - ارتباطی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در دوران حکومت:

جستجوی مدل سیاست گذاری و برنامه ریزی / تألیف سیدمحمد کاظمی قهفرخی.

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۶ (ع).

مشخصات ظاهری: ۲۰۰.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۵۷۰-۳

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - سیاست و حکومت

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. - دیدگاه درباره حکومت

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. - دیدگاه درباره سیاست

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. - دیدگاه درباره سیاست

موضوع: فرهنگ سیاسی - جنبه های مذهبی - اسلام

موضوع: سیاست فرهنگی - ایران

شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق علیه السلام (ع)

رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ک ۲ س ۹ BP ۳۸/۰۹

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۱

شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۶۲۹۵۵

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی باشد.

این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست مطالب

۱۱		سخن ناشنیده
۱۳		مقدمه
۱۹		فصل اول. کتابت سیاست گذاری فرهنگی
۱۹		۱-۱. تعریف نظامی عمومی
۲۰		۲-۱. فرایند خط مشی گذاری عمومی
۲۳		۱-۲-۱. صورت بندی مسئله عمومی
۲۷		۲-۲-۱. دستور گذاری خط مشی عمومی
۲۸		۳-۲-۱. شکل گیری، تهیه و تدوین خط مشی
۳۰		۴-۲-۱. تصمیم گیری و مشروعیت بخشیدن به خط مشی
۳۳		۵-۲-۱. اجرای خط مشی عمومی
۳۶		۶-۲-۱. انتخاب ابزار اجرای خط مشی
۳۷		۷-۲-۱. ارزیابی خط مشی
۴۳		۳-۱. فرهنگ
۴۱		۱-۳-۱. تعریف فرهنگ
۴۲		۲-۳-۱. سیاست پذیری فرهنگ
۴۲		۱-۲-۳-۱. دیدگاه افلاطونی
۴۲		۲-۲-۳-۱. دیدگاه ارسطویی
۴۴		۳-۳-۱. تعریف فرهنگ و تأثیر آن بر خط مشی گذاری فرهنگی
۴۶		۴-۳-۱. الگوهای خط مشی گذاری فرهنگی
۴۶		۱-۴-۳-۱. الگوی آرمان گرایی
۴۷		۲-۴-۳-۱. الگوی سیاست فرهنگی سنتی (نخبه گرا)
۴۷		۳-۴-۳-۱. الگوی توسعه گرا

۴۷	۱-۳-۴-۴. الگوی تکثر و حقوق فرهنگی
۵۱	۱-۴. خط‌مشی‌گذاری فرهنگی
۵۱	۱-۴-۱. صورت‌بندی مسئله فرهنگی
۵۲	۱-۴-۲. دستورگذاری خط‌مشی فرهنگی
۵۲	۱-۴-۳. مرحله تهیه و تدوین خط‌مشی فرهنگی
۵۴	۱-۴-۴. تصمیم‌گیری در خط‌مشی‌گذاری فرهنگی
۵۶	۱-۴-۵. اجرای خط‌مشی فرهنگی و ابزارهای آن
۵۸	۱-۴-۶. ارزیابی خط‌مشی‌گذاری
۶۰	۵. نگاهی کوتاه به دوران حکومت علوی
۶۷	فصل دوم: فرهنگ سیاسی
۶۷	مقدمه
۷۰	۱-۲. خاص‌ترین مبانی عمومی فرهنگ سیاسی
۷۰	۱-۲-۱. قبیله‌گرایی
۷۱	۱-۲-۲. تغییر در نوع و معیارهای تمییز رهبر
۷۱	۱-۲-۱-۱. تغییر در معیارهای تمییز رهبر
۷۲	۱-۲-۲-۱. تغییر در نوع تعیین رهبر
۷۳	۱-۲-۳. توزیع نامناسب قدرت
۷۴	۲-۲. مردم‌داری به عنوان دستور کار
۷۴	۱-۲-۳. مردم‌داری در گفتمان علوی
۷۶	۲-۲-۲. مردم‌داری در سیره علوی
۷۷	۱-۲-۲-۲. بیعت همگانی
۷۷	۲-۲-۲-۲. حقوق‌مداری
۷۹	۲-۲-۲-۲. عام‌گرایی به جای خاص‌گرایی
۸۰	۲-۲-۲-۲. آزادی
۸۰	۲-۲-۲-۲. آزادی فردی
۸۱	۲-۲-۲-۲. آزادی در انتخاب
۸۲	۲-۲-۲-۲. آزادی عقیده
۸۲	۲-۲-۲-۲. آزادی انتقاد و توجه به نظارت همگانی
۸۵	۲-۲-۲-۲. میزان دسترسی مردم به دولتمردان
۸۵	۲-۲-۲-۲. ارتباط دوسویه بین مردم و دولت
۸۶	۲-۲-۲-۲. رسانه‌ها و توجه به افکار عمومی

۸۸	 شیوه و نظام اعتراضات اجتماعی	۶-۲-۲-۲
۸۸	 اصل سعه صدر	۱-۶-۲-۲-۲
۸۹	 استدلال و احتجاج	۲-۶-۲-۲-۲
۹۰	 رفق و مدارا	۳-۶-۲-۲-۲
۹۰	 اتمام حجت	۴-۶-۲-۲-۲
۹۰	 عفو و بخشش	۵-۶-۲-۲-۲
۹۱	 برخورد با خرابکاران و مجرمان	۶-۶-۲-۲-۲
۹۱	 مشروعیت بخشی به سیاست مردم داری	۳-۶-۲-۲-۲
۹۱	 سخنرانی های عمومی	۱-۳-۲
۹۲	 ابلا .. سازمان های عمومی	۳-۱
۹۲	 نهاد اخلافت	۱-۲-۳-۲
۹۲	 ادبیت المال	۲-۲-۳-۲
۹۳	 اجرای سیاست مردم داری	۴-۲
۹۳	 سیاست های دولت حور	۱-۴-۲
۹۳	 تغییر معیارها و تغییر بر	۱-۱-۴-۲
۹۴	 نظارت بر کارگزاران	۲-۱-۴-۲
۹۵	 تغییر کارگزاران	۱-۲-۱-۴-۲
۹۵	 تشکیل نظام اطلاعاتی	۲-۲-۱-۴-۲
۹۵	 ترویج کارگزاران	۳-۲-۱-۴-۲
۹۶	 تأمین نیازهای اقتصادی کارگزاران	۴-۲-۱-۴-۲
۹۶	 قانون گرایی	۳-۱-۴-۲
۹۹	 سیاست های مردم محور	۲-۴-۲
۹۹	 اتحاد	۱-۲-۴-۲
۱۰۱	 حق گرایی به جای شخصیت گرایی	۲-۲-۴-۲
۱۰۱	 حسن ظن به مردم	۳-۲-۴-۲
۱۰۱	 پرهیز از عیب جویی از مردم	۱-۳-۲-۴-۲
۱۰۲	 اصل برائت	۲-۳-۲-۴-۲
۱۰۳	 توجه به تنوع و تکثر فرهنگی	۴-۲-۴-۲
۱۰۳	 توجه به گروه های مذهبی	۱-۴-۲-۴-۲
۱۰۳	 توجه به سنت های پسندیده	۲-۴-۲-۴-۲
۱۰۴	 ارزیابی	۵-۲

۱۰۶	۲-۵-۱. خودارزیابی
۱۰۷	۲-۵-۲. ارزیابی تاریخی
۱۰۷	۲-۵-۱. جنگ جمل
۱۰۸	۲-۵-۲. جنگ نهروان
۱۰۸	۲-۵-۳. جنگ صفین
۱۱۱	فصل سوم: فرهنگ اقتصادی
۱۱۱	مقدمه
۱۱۵	۳-۱. دنیاطلبی و رفاه طلبی؛ مسئله عمومی فرهنگ اقتصادی
۱۱۵	۱-۱-۱. عوامل
۱۱۵	۱-۱-۲. مبررات
۱۱۶	۳-۱-۱. دست جدید تقسیم سرانه بیت المال
۱۱۷	۳-۱-۲. مبررات
۱۱۷	۳-۱-۲-۱. تأثیرات اوردسیست مالی بر فرهنگ
۱۱۸	۳-۱-۲-۲. تأثیرات کلاسیک سیاست مالی بر فرهنگ
۱۱۸	۳-۱-۲-۲-۱. تغییر در بینش و رفتار جامعه
۱۲۰	۳-۱-۲-۲-۲. تشکیل هسته های اقتصادی مؤثر بر فرهنگ
۱۲۱	۳-۲. عدالت به عنوان دستور کار
۱۲۳	۳-۲-۱. مبانی عدالت علوی
۱۲۴	۳-۲-۲. سیاست عدالت
۱۲۶	۳-۳. مشروعیت بخشی به سیاست عدالت
۱۲۶	۳-۳-۱. ارجاع به منابع دینی
۱۲۶	۳-۳-۲. سخنرانی های عمومی
۱۲۹	۳-۳-۳. ابلاغ به سازمان های عمومی
۱۳۱	۳-۴. اجرای سیاست عدالت
۱۳۱	۳-۴-۱. تغییر رویکرد در سطح بینش اقتصادی
۱۳۲	۳-۴-۲. تغییر رویکرد در سطح کنش اقتصادی
۱۳۳	۳-۴-۱-۲. سیاست های بازتوزیعی
۱۳۳	۳-۴-۱-۲-۱. تقسیم مساوی بیت المال
۱۳۴	۳-۴-۱-۲-۲. استرداد اموال
۱۳۴	۳-۴-۱-۲-۳. عدم ذخیره سازی بیت المال
۱۳۵	۳-۴-۲. سیاست های کنترلی و نظارتی

۱۳۵	 نظارت بر بازار. ۱-۲-۲-۴-۳
۱۳۶	 احتیاط در هزینه کردن بیت المال. ۲-۲-۲-۴-۳
۱۳۷	 عدم استشار. ۳-۲-۲-۴-۳
۱۳۸	 سیاست های توزیعی. ۳-۲-۴-۳
۱۳۸	 حمایت از طبقه های پایین. ۱-۳-۲-۴-۳
۱۳۸	 بهبود زندگی و آبادانی شهر. ۲-۳-۲-۴-۳
۱۳۹	 حمایت از تولید و تجارت. ۳-۳-۲-۴-۳
۱۴۰	 ارزیابی سیاست عدالت. ۵-۳
۱۴۰	 خودارزیابی. ۱-۵-۲
۱۴۱	 ارزیابی تاریخی. ۱-۵-۲
۱۴۳	 فصل چهارم: فرهنگ دینی
۱۴۳	 مقدمه: دین و فرهنگ
۱۴۹	 ۱-۴. ظاهرینی و فقهایی گرامر مسئله عمومی فرهنگ دینی
۱۴۹	 ۱-۱-۴. اجتهاد به رأی اصول اسلامی
۱۵۰	 ۲-۱-۴. رواج اندیشه های روحانی
۱۵۲	 ۲-۴. تربیت دینی به عنوان دستور کار
۱۵۲	 ۱-۲-۴. هستی شناسی
۱۵۳	 ۲-۲-۴. انسان شناسی
۱۵۳	 ۱-۲-۲-۴. نگاه به ذات انسان
۱۵۵	 ۲-۲-۲-۴. نگاه اجتماعی به انسان
۱۵۷	 ۳-۴. مشروعیت بخشی به سیاست تربیت دینی
۱۵۷	 ۴-۴. اجرای سیاست تربیت دینی
۱۵۷	 ۱-۴-۴. اصول حاکم بر نظام تربیت دینی
۱۵۹	 ۲-۴-۴. عملکرد
۱۵۹	 ۱-۲-۴-۴. تدوین احادیث و مقابله با قصه پردازی
۱۵۹	 ۲-۲-۴-۴. تربیت همگانی
۱۶۰	 ۳-۲-۴-۴. تربیت نخبگان و عالمان دینی
۱۶۰	 ۴-۲-۴-۴. تشویق به علم آموزی
۱۶۱	 ۵-۲-۴-۴. اهمیت دادن به منابع دینی
۱۶۱	 ۱-۵-۲-۴-۴. توجه به اشاعه و قرائت قرآن
۱۶۱	 ۲-۵-۲-۴-۴. حساسیت نسبت به تفسیر و برداشت از قرآن

۱۶۲	 ۴-۲-۵-۳. توجه به احیاء سنت پیامبر
۱۶۳	 ۴-۲-۵-۴. احیاء احکام اسلامی
۱۶۵	 ۴-۲-۶. مخالفت با خرافه پرستی
۱۶۶	 ۴-۲-۷. نفی فرهنگ چاپلوسی و توصیه به امر به معروف و نهی از منکر
۱۶۷	 ۴-۵. ارزیابی سیاست تربیت دینی
۱۶۷	 ۴-۵-۱. خودارزیابی
۱۶۸	 ۴-۵-۲. ارزیابی تاریخی
۱۷۱	 ۴-۵-۲. جم: ارزیابی و نتیجه گیری
۱۷۱	 ۴-۵-۱. ارزیابی
۱۷۳	 ۴-۵-۲. نتیجه گیری
۱۷۴	 ۵-۲-۱. سیاست گذاری فرهنگ سیاسی
۱۷۶	 ۵-۲-۲. سیاست گذاری فرهنگ اقتصادی
۱۷۹	 ۵-۲-۳. سیاست گذاری فرهنگ دینی
۱۸۳	 منابع
۱۹۱	 نمایه

فهرست بهار و نمودارها

۲۳	 نمودار ۱-۱: چرخه خط مشی گذاری
۲۶	 نمودار ۲-۱: عوامل دخیل در نظام سیاست گذاری
۳۷	 نمودار ۳-۱: ابزارهای دخیل در اجرای خط مشی گذاری
۴۰	 جدول ۱-۱: شاخص های ارزیابی بلندمدت و کوتاه مدت
۴۹	 جدول ۲-۱: مقایسه تطبیقی چهار الگوی اصلی سیاست گذاری فرهنگی
۵۸	 جدول ۳-۱: مسائل و مباحث موجود در خط مشی گذاری فرهنگی
۶۰	 جدول ۴-۱: صورت بندی مسائل سیاست گذاری در حکومت علوی
۱۲۷	 جدول ۱-۳: عدالت در گفتمان علوی
۱۶۴	 جدول ۱-۴: احیاء احکام اسلامی در حکومت علوی
۱۷۳	 نمودار ۱-۵: ساختار کلان سیاست گذاری امام علی (علیه السلام) در زمان خلافت
۱۷۶	 نمودار ۲-۵: سیاست گذاری فرهنگ سیاسی
۱۷۹	 نمودار ۳-۵: سیاست گذاری فرهنگ اقتصادی
۱۸۱	 نمودار ۴-۵: سیاست گذاری فرهنگ دینی

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
 وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا دَاوُودَ وَ سُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
 فَضَّلْنَا عَلَيَّ كَثِيرًا مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
 (قرآن کریم، سوره مبارکه النمل، آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه، امام باقر (علیه السلام) که از سوی ریاست فقید دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته تربیت نیروی انسانی ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا این نیرو دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می توان مقوله ای جوهری یاد نمود که وظایف و کارویژه های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و سرگردان می سازد.

از سوی دیگر «سیاست ها» تابع اصول و مبادی عالم هستند و نمی توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست ها در گرو انجام پژوهش های علمی و بهرمندی از نتایج آنهاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان های فکری و اجرایی به حساب می آیند و نمی توان آینده درخشانی را بدون توانایی های علمی — پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیانگذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و توفیق همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام‌عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معارضت بخشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) با توجه به شرایط، امکانات و نیازهای جامعه، با مقتضای کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و ... قایم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهاده - درک کاستی‌ها و اصلاح آن‌ها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت و کسب علمی امام صادق (علیه السلام) را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت (از بیانیه).

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

مقدمه

آنچه که می‌راند بحث علمی را در نگاه کارشناسان و محققان یک حوزه، نوآورانه جلوه داد و به یک موضوع از منظر مبنایی، نظری، رویکردی و روشی است. از این رو اگر موضوعاتی هر چند به صورت متعدد و گوناگون، در دوره‌های متفاوت مورد بحث قرار گرفته باشند، اما با بازخوانی آن‌ها از زاویه دید جدید و با تأثیر گوناگون، می‌توان نتایج جدیدی را به ارمغان آورد. یکی از سبک‌هایی که باعث نوآوری می‌شود، نگاه بین و میان‌رشته‌ای است که تلاش دارد با تبادل و ترکیب پای تخصص هر رشته، باعث ایجاد نگاه چندبعدی به موضوعات مختلف شود و لایه‌های پنهانی و در نظر نگرفته شده را مورد هدف یک پژوهش قرار دهد. هنگامی اهمیت نگاه بین‌رشته‌ای بیشتر مشخص می‌شود که با وجود مبانی بنیادین انسانی غنی، این توانایی به وجود می‌آید که آن‌ها را از مهجوریت خارج کند و به صورتی کاربردی، با توجه به مقتضیات کنونی به آن‌ها جامه عمل بپوشانیم.

اثر علمی روبه‌رو، با تأسی به این نگاه، تلاش دارد از زاویه دید رشته سیاست‌گذاری با موضوعیت فرهنگی، به دوره تاریخی حکومت علوی نگاه کند تا بتواند با دسته‌بندی جدید بر اساس مدل چرخه خط‌مشی‌گذاری، الگویی برای این منظور ارائه دهد. البته باید بر این نکته بیان شده، تأکید نمود که در تلاش‌های بین‌رشته‌ای لزوماً هدف احصاء مبنایی و نظریه جدید

نمی‌باشد و تحقیق می‌تواند با وجود مطالعات پیشین گسترده در یک موضوع بر اساس یک نگاه علمی، تنها به یک دسته‌بندی جدید دست یابد.

فرهنگ به عنوان زیست محیط اجتماعی مؤثر بر سایر حوزه‌های جامعه، یکی از حوزه‌های اساسی سیاست‌گذاری می‌باشد که توجه به آن رو به گسترش است. کشورها و دولت - ملت‌های مختلف، چه بر اساس الگوهای توسعه‌ای مورد قبول جامعه جهانی و چه بر اساس الگوهای محلی و بومی، همواره در خط‌مشی‌گذاری‌های خود فرهنگ را در مرکز توجه خود قرار می‌دهند. در این میان، بی‌شک جامعه‌ای می‌تواند موفق باشد که ارزش‌های بنیادین، باورها و جامعه خود را نقطه آغاز قرار دهد. نظام جمهوری اسلامی ایران به صورت نظامی متکی بر دین مبین اسلام نیز در این چارچوب قابل تحلیل است. بدین معنا که آموزه‌ها و باورهای دینی می‌بایست مبدأ خط‌مشی‌گذاری‌ها و سیاست‌ها در آموزه‌ها در کتاب و سنت ابعاد مختلفی پیدا می‌کند. بر اساس نگاه کل‌نگر به دین - که معتقد به جاری و ساری بودن دین در تمامی حوزه‌ها از جمله سیاست و حکومت‌داری است - دین اسلام، باورهای بنیادین خط‌مشی‌گذاری را فراهم می‌کند.

از این رو در این کتاب با در نظر گرفتن حکومت علوی به عنوان یکی از منابع سنت و نیز تنها دوران حکمرانی یکی از مآلات تبعه، به بررسی رابطه این حکومت با فرهنگ، می‌پردازیم. کتاب پیش‌رو با مناسبت قرار دادن مراحل مدل فرایندی خط‌مشی‌گذاری، سعی دارد با تحلیل سیاسی و نقش این دولت در فرهنگ، مدل سیاست‌گذاری آن را احصاء نماید. بدین‌گونه می‌توان گفت سؤال اصلی این کتاب آن است که «الگوی خط‌مشی‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی و ارتباطی در حکومت علوی دارای چه سیاست‌ها، راهبردها و برنامه‌هایی بوده است؟».

دولت‌ها با تعاریف کلان و بخشی از فرهنگ، هر کدام نوعی از وظایف و حیطه‌ای از مداخله را در این عرصه برای خود مشخص نموده‌اند. برخی از دولت‌ها با تعریف فرهنگ به عنوان هنر و میراث فرهنگی، سیاست‌ها را

معطوف به گسترش بخش‌های مذکور می‌نمایند. اما در نگاه کلان، فرهنگ مجموعه‌ای از ویژگی‌های متمایز معنوی، مادی، فکری و احساسی در جامعه و در میان گروه‌های اجتماعی است که در هنر و ادبیات، شیوه‌های زندگی فردی و اجتماعی، نظام ارزشی، سنت‌ها و باورها متجلی می‌شود. در این نگاه حیطه موضوعی و انسانی فرهنگ چنان گسترده می‌شود که تمام حایه‌های دیگر ذیل آن تعریف می‌شوند و سیاست‌گذاری فرهنگی را مستلزم بررسی جایگاه و نقش آن حوزه‌ها در این امر می‌کند.

نگارنده با در نظر گرفتن تعریف کلان فرهنگ، از آنجا که مسئله‌شناسی مرحله اول خط‌سی‌گذاری به‌عنوان یکی از مدل‌های پرکاربرد و پذیرفته‌شده سیاست‌گذاری، می‌باشد، با بررسی تاریخی حکومت علوی و حکومت خلفای پیشین آن تلاش کرده تا مسائل این دوره زمانی را احصاء نماید و بدون هیچ پیش‌فرضی آن‌ها را دسته‌بندی نماید. خاص‌گرایی، رفاه‌طلبی و نیازدگی و ظاهربینی و قشر‌گرایی دسته‌های مذکور هستند که با تسامح و تساهلی که در هر صورت بین مسائل وجود دارد، ذیل سه حوزه فرهنگ سیاسی، فرهنگ اقتصادی و فرهنگ دینی تعریف شده‌اند.

با روشن شدن مسائل و حوزه‌های مرتبط با آن، سیاست‌های کلی در پیش گرفته شده در سیره و کلام رئیس دولت داری در تقابل با این مسائل مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد مردم‌داری، عدالت و تربیت در رأس امور سیاستی دولت مورد نظر قرار دارد. نگارنده پس از مشخص شدن سیاست‌های کلی، تلاش نمود نحوه اجرای این سیاست‌ها را در دولت داری مورد مطالعه قرار دهد و برای این منظور مراحل اجرا، مشروعیت‌بخشی و ارزیابی را در چرخه خط‌مشی‌گذاری پیگیری نماید.

«مردم‌داری» به‌عنوان سیاست کلی در تقابل با مسئله خاص‌گرایی در حوزه فرهنگ سیاسی، شامل دو بخش سیاست‌های دولت‌محور و مردم‌محور است و در دولت علوی به نهادهای بیت‌المال و خلافت ابلاغ می‌گردد. سیاست‌های مردم‌محور شامل مواردی همچون ایجاد اتحاد، حسن ظن به

مردم، مبارزه با شخصیت‌گرایی و ترویج حق‌گرایی و نیز توجه به تکثر فرهنگی در جامعه می‌باشند و فاکتورهای اصلی سیاست‌های دولت‌محور، تغییر معیارهای رهبر جامعه و ترویج شایسته‌سالاری، قانون‌گرایی، تغییر کارگزاران دولت قبل و نظارت بر آن‌ها هستند. اگر سیاست «مردم‌داری» از دو منظر خودارزیابی و ارزیابی‌های تاریخی مورد بررسی قرار گیرد، باید بیان داشت: این سیاست باعث شد مردم چنان در تصمیم‌گیری‌ها مستقل باشند که دولت خود را در بدترین شرایط رها کنند و از سوی دیگر در ارزیابی تاریخی، آزادی بیان گروه‌های مخالفی همچون خوارج و اعمال نظرشان بر دولت علوی این مشاهده است. از طرف دیگر گفتمان شایسته‌سالاری و امانت بودن قدرت، مردم‌کومت علوی عاملی گردید، تا دولت علوی از به قدرت رسیدن عال‌الدین، بی‌جلوگیری کرده و با ابقاء قدرت‌طلبان مخالفت نماید و جنگ‌های صلیبی و غیره بر این دولت تحمیل شود.

برای اجرای سیاست کلاسیک عدالت در تقابل با مسئله رفاه‌طلبی و نیازدگی در حوزه فرهنگ اقتصادی، دولت علوی در دو سطح پیش و کنش اقتصادی آن را پیگیری نمود. در سطح پیش اقتصادی، با بازتعریف رابطه انسان با دنیا، با مفاهیمی همچون زهد، قناعت، آزمایش بودن ثروت، گذرا بودن دنیا، آخرت‌گرایی تلاش شد تا نگاه مردم به ثروت تغییر کند. در سطح کنش سه سیاست بازتوزیع، توزیع و نظارت بر رشد ثروت در اجتماع پیش گرفته شد. دولت علوی در سیاست بازتوزیع، به جمع‌آوری بیت‌المال موجود در جامعه، ثروت‌های به تاراج رفته و توزیع مجدد آن به صورت مساوی در جامعه مبادرت ورزید و با ممانعت از انباشت ثروت در دولت، با تغییر رویه در تقسیم بیت‌المال، ثروت را سریعاً در بین مردم توزیع می‌کرد. در سیاست توزیع، تقسیم ثروت در بین محرومین و فقیران در جهت ریشه‌کن کردن فقر در جامعه مورد توجه قرار گرفت و با آباد شدن شهرها و حمایت از تولید و تجارت گام‌های دیگری به سوی عدالت اقتصادی برداشته شد. رئیس دولت علوی در سیاست کنترلی خود با نظارت بر بازار، احتیاط

در مصرف بیت‌المال و ممانعت از انحصارطلبی، از ایجاد عدم توازن ثروت در جامعه جلوگیری نمودند. سیاست عدالت، فقر را در کوفه از بین برد، اما از سوی دیگر باعث شد تا برخی از افراد فرار کرده و به لشکر دشمنان دولت علوی پیوندند. از لحاظ تاریخی تأثیر این سیاست آن بود که کارگزاران دولت‌های قبل و بعضی از اصحاب پیامبر که به نظام تبعیض‌آمیز اقتصادی مادت کرده بودند، نظام جدید مالی را نپذیرند و جنگ‌های جمل و صفین را بر آن حضرت تحمیل نمایند.

سیاست تربیت دینی دولت علوی که در تقابل با مسئله ظاهربینی و قشری‌گرایی در حوزه فرهنگ دینی پیش گرفته شد، دارای دو بخش عمده بود. یکی از قسم‌های مهم آن اصول حاکم بر این سیاست است. اصول اعتدال، تفکر، تعقل، بر و آخرت‌گرایی بر برنامه تربیتی این دولت حاکم بود. با در نظر گرفتن این اصول، اقداماتی در جهت تربیت جامعه انجام گرفت که اهمیت دادن به منابع دین، تدوین احادیث، پیامبر، آموزش همگانی، تربیت یاران خاص و تشویق به علم‌آموزی، مهم‌ترین برنامه‌ها در این جهت به حساب می‌آید. خود ارزیابی دولت علوی از این سیاست آن بود که با وجود آنکه سنت پیامبر به مردم یادآوری شد، اما مردم تأثیر نپذیرفتند که یکی از مصادیق عدم کارایی این سیاست از لحاظ تاریخی شکل‌گیری خوارج و جنگ نهروان در زمان خلافت امیرالمؤمنین بود.

اگر بخواهیم سیاست فرهنگی دولت علوی را صورت‌بندی کنیم می‌توانیم بگوییم که این سیاست با در نظر گرفتن حوزه‌های سیاست، اقتصاد و دین ذیل سیاست کلی فرهنگ آن را به‌طور شبکه‌ای با هم مرتبط می‌داند و برای هر کدام سیاست‌های کلی و جزئی در نظر گرفته است که به‌طور پیوسته و هم‌زمان باید انجام گیرند تا بتواند در جامعه تأثیرگذار باشند. یک دولت اگر چه در کوتاه‌مدت با اعمال سیاست‌های مذکور در ظاهر شکست می‌خورد ولی می‌تواند در بلندمدت الگو و جریان‌ساز باشد و همچون دولت علوی جریان تشیع را نهادینه نماید. برای مطالعه بیشتر جزئیات سیاست

فرهنگی دولت علوی، دعوت می‌کنم تا خوانندگان کتاب پیش رو را به‌طور کامل بخوانند تا بتوانند تصویر دقیق‌تری از مطالب در ذهن خود پیدا کنند. در پایان لازم می‌دانم از اساتید عزیز و بزرگوارم جناب آقایان دکتر حسام‌الدین آشنا و استاد دلشاد تهرانی که در نگارش این کتاب نگارنده را هدایت نمودند و از جانب آقای علیرضا قصری که بنده را در نگارش کتاب مساعدت کردند، تشکر نمایم.

www.ketab.ir